Investigation of the crime of bribery in the administrative structure of the modern government in Iran "Emphasizing the views of Emile Durkheim"

Hamid Reza Tabshiri[1], Behzad Ahangari[2]
1. Department of Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. (Corresponding author)
2. Member of Iranian Central Bar Association.

Date Received 2021/12/31
Date of correction 2022/4/6
Date of Release 2022/02/24

Abstract

In modern approaches to criminology, not only has it not been considered as an individual phenomenon, but it has been defined as a social phenomenon that occurs in the context of specific social developments. In Iran, too, although the legislators' approach has been very deep, insightful and recognizable to punish and deter Bribery and Bribe taker criminals, but the facts in administrative violations show other data that are needed to identify and deal with this crime, from A new approach, such as the sociology of law, was used to address this dilemma and crime. Therefore, the question of this research arises on the basis of why the crime of bribery in the modern government in Iran according to the legal sociology – with the view of Emil Durkheim – thought?

The hypothesis of this research is based on the view that: Accelerated modernization and social events have caused anomie in social structures, the effect of which should be seen in the change in social control structures, which have a task to prevent corruption. Therefore, this article pursues two basic goals: while examining the social context of this crime, it introduces the cultural and normative reinforcing components that cause this crime. The findings of this study indicate that factors such as: disruption of the value system, disruption of the division of social work, reduced solidarity-unity and empathy, reduced social conscience, lack of social control and prevention system as factors affecting the occurrence of crime Is bribed.

Key words: Bribery, Modern Government, Legal Sociology, Emile Durkheim

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

فصلنامه حقوق اداری
سال نهم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۳۱
مقاله علمی پژوهشی

واکاوی بزه ارتشاء در ساختار اداری دولت مدرن در ایران «با تاکید بر آراء امیل دورکهایم»

حمیدرضا تبشیری[۱]؛ بهزاد آهنگری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴

چکیده

در رویکردهای نوین جرم‌شناسی، نه تنها آن را منحصر به یک پدیده فردی ندانسته‌اند بلکه آن را یک پدیده اجتماعی که در بستر تحولات خاص اجتماعی به وقوع می‌پیوندد تعریف کرده‌اند. در ایران نیز، اگرچه که رویکرد قانونگذاران بسیار تعمیقی، ژرف‌نگر و شناسا برای مجازات وبازدارندگی در مقابل بزهکار راشی و مرتشی بوده است اما واقعیت‌ها در تخلفات اداری نشان از داده‌های دیگری دارد که لازم است برای شناسایی و مقابله با این بزه، از رویکرد جدید همچون جامعه شناسی حقوق بهره جست تا بر این معضل و بزه مؤثر باشد. از همین رو، سؤال این پژوهش بر این مبنا مطرح می‌شود که بزه ارتشاء چرا در دولت مدرن در ایران با توجه به جامعه شناسی حقوقی با نگاه اندیشه امیل دورکهایم رخ می‌دهد؟ فرضیه این پژوهش برا این نظر استوار است که: نوسازی شتابان و حوادث اجتماعی سبب به وجود آمدن آنومی در ساختارهای اجتماعی شده است که تأثیر آن را باید در تغییر در ساختارهای کنترل اجتماعی، که به نوعی وظیفه جلو گیری از فساد را دارند، دید. بنابراین، این مقاله دو هدف بنیادین را دنبال می‌کند: ضمن بررسی زمینه اجتماعی این بزه، به معرفی مؤلفه‌هایی تقویت‌کننده فرهنگی و هنجاری، که سبب این بزه می‌شود می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان از آن دارد که عواملی چون: برهم خوردن نظام ارزش‌ها، برهم خوردن تقسیم کار اجتماعی، کاهش همبستگی- اتحاد و هم دردی، کاهش وجدان اجتماعی، نبودن نظام کنترل و پیشگیری اجتماعی از جمله عوامل مؤثر بر وقوع پدیده بزه ارتشاء می‌شود.

واژگان کلیدی: ارتشاء، دولت مدرن، جامعه‌شناسی حقوقی، امیل دورکهایم.

۱. استاد مدعو، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول).
Drhamidrezatabshiri@gmail.com
۲. عضو کانون وکلای دادگستری مرکز، تهران، ایران..ahangari.behzad@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

مقدمه

بزه رشوه[۱] مثل بسیاری از جرائم مالی دیگر سابقه طولانی داشته و از قدیم‌الایام در جوامع بشری و ایران شایع بوده است. در بسیاری از کتب تاریخی ایران به این پدیده ناهنجار اشاره شده است؛ به طور مثال کروسینسکی، که از راهبان مسیحی ساکن اصفهان در زمان شورش افغان‌ها بود، در کتاب سقوط اصفهان می‌نویسد: "بعد از دو ماه که از محاصره اصفهان گذشته است اعیان شهر برای فرار از محاصر افغان‌ها به پاسبان‌ها رشوه می‌دهند به‌طوری که پاسبان‌ها در دریافت رشوه با هم رقابت می‌کنند" (کروسینسکی،۱۳۹۲: ۵۲). فریدون آدمیت نیز برای تصویرپردازی دوران قاجار در کتاب امیر کبیر و ایران می‌نویسد: "وزیران و بزرگان قوم پیشکش می‌دادند و می‌گرفتند، دیوانیان مداخل داشتند، لشکریان سیورسات می‌بردند و فقیهان کلاه شرعی بر سر آن می‌گذاشتند و آن را جعاله می‌خواندند."(آدمیت،۱۳۹۲: ۳۱۸)

از دوران پهلوی اول تا جمهوری اسلامی ایران، اگرچه ساخت اجتماعی (ایران) با توسعه و نوسازی جامعه، به نحوه ظاهری و تنها با تقلیل آن به رویکردی مدرن به ابزارها، توانسته است در ابزارهای مکانیکی زیست اجتماعی مورد تحول قرار گیرد اما همچنان دیدگاه‌های سنتی، قبیله‌ای، عشیره‌ای، قومی با باورهای عامیانه با دوران جدید هماهنگی نداشته و هنوز بر این جامعه و ساختار اداری آن سایه افکنده است؛ و حتی باید کنش‌های اجتماعی را در چهارچوب‌های کنش‌های سنتی بر آن جستجو و تعریف قرار گیرد، به طور مثال در باور عامیانه امروز اجتماع ما، به خاطر حوادث ناگوار تاریخی از جمله حمله‌ی مغولان تا جنگ تحمیلی، اگر چه که رشوه پدیده‌ای ناهنجار، قبیح و حرام است اما آن را یک مستحب برای حفظ بقاء باید بر می‌شمرد به‌طوری که از اصطلاحاتی رایجی چون: زیر سیبلی، زیر میزی، سیبیلش رو چرب کردن، شیتیل دادن، پیشکش و ... برای این ناهنجاری و بزه اجتماعی به طور عادی و عامیانه به کار می‌رود. از همین روست که باید رشوه را یک مقوله فرهنگی ـ اجتماعی دانست که افراد زمانی که از روش‌های قانونی و تعریف شده برای انجام عملی ناکام باشند، به این شیوه که خلاف هنجارهای جامعه است، روی می‌آورند (باصری، ۱۳۹۵) چنانچه که در هفته‌های گذشته تمام اعضای شورای شهر یکی از شهرستان‌های استان کشور را به اتهام همین بزه بازداشت کرده‌اند که گرچه هیچ کدام نیاز مالی نداشتند.

---

۱. رشوه (Bribery) از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای مال یا وجهی است که از طرف کارکنان و مأمورین دولتی به سبب انجام وظیفه گرفته می‌شود. با توجه به معنای اصطلاحی رشوه، مفاهیم رشاء و ارتشا به ترتیب عبارتند از: رشوه دادن و رشوه گرفتن. از نظر حقوقی، جرم رشوه از جرائم عمومی غیر قابل گذشت است؛ همچنین رشوه باید برای انجام یا ترک فعل در خصوص کاری باشد که مربوط به سازمان دولتی، قضائی و نهادها است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

در نیم قرن اخیر، اگرچه که رویکرد قانونگذاران در ایران بسیار تعمیقی، ژرف‌نگر و شناسا برای مجازات این بزه بوده است[۱] اما واقعیت‌ها در تخلفات اداری نشان از آمار و داده‌های دیگری دارد که لازم است برای شناسایی و مقابله با این بزه، از رویکردهای جدید میان رشته‌ای (همچون جامعه شناسی حقوق) بهره جست تا بتوان برای این معضل اجتماعی در جامعه در حال گذار ایران، مؤثر باشد. از همین رو، سؤال این پژوهش بر این مبنا مطرح می‌شود که بزه ارتشاء چرا در دولت مدرن در ایران با توجه به جامعه شناسی حقوقی- با نگاه اندیشه امیل دورکهایم[۲]- رخ می‌دهد؟ همچنین فرضیه این پژوهش برا این نظر استوار است که: نوسازی شتابان و غیر بومی سبب به وجود آمدن آنومی[۳] در ساختارهای اجتماعی می‌شود که تأثیر آن را باید در تغییر در ساختارهای کنترل اجتماعی، که به نوعی وظیفه جلو گیری از فساد را دارند، جستجو نمود. بنابراین، این مقاله دو هدف بنیادین را دنبال می‌کند: ضمن بررسی زمینه اجتماعی[۴] این بزه، به معرفی مؤلفه‌هایی تقویت کننده فرهنگی و هنجاری، که سبب این بزه می‌شود می‌پردازد. مقاله حاضر با روش «تفسیری – تحلیلی» و ناظر به حوزۀ معرفتی، کیفی، مطالعۀ اسنادی و تکنیک مطالعۀ کتابخانه‌ای صورت گرفته می‌گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این تحقیق آثار متعددی نوشته شده است که نشان از اهمیت و ضرورت این تحقیق می‌باشد. این آثار را می‌توان را به سه دسته تقسیم نمود:

الف. آثاری که بزه ارتشاء را با علوم جزایی مورد بررسی قرار داده‌اند. از این آثار می‌توان: (حبیب زاده: ۱۳۷۹)، (نوری: ۱۳۹۸)، (رضاپور: ۱۳۹۹)، (حسینی کشاورز: ۱۳۹۶) اشاره داشت.

ب. آثاری که ناظر به توصیف پدیده بزه ارتشاء و دلایل روبنایی [۵] آن بررسی قرار گرفته‌اند. از این آثار می‌توان به: (باقری: ۱۳۹۶)، (بی‌نام:۱۳۸۸) اشاره داشت.

---

۱. می‌توان در قانون مجازات عمومی، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۶۷) دید.

2. Emile Durkheim

3. Anomie

4. social context

۵. به طور مثالدر پرتابل سازمان قضایی نیروهای مسلح به دلایل چون: ۱. عدم رعایت دقیق صلاحیت‌های افراد در انتصابات ۲. علل ساختاری، سازمانی، مقررات و پیچ و خم های غیر ضروری و گردش نامناسب کار در برخی از ادارات ۳. عدم برقراری حقوق مستخدمین جدید سازمان‌ها در مدت طولانی ۴. تفاوت در تعریف رشوه نزد اشخاص و سازمان‌های مختلف و عدم آگاهی پرسنل نسبت به شگردهای پرداخت آن ۵. آسیب پذیری بعضی از مشاغل، به دلیل ارتباط با ارباب رجوع. ۶. وجود ضعف‌های ایمانی، تربیتی و شخصیتی در افراد و ۷. پائین بودن سطح حقوق پرسنل نیروهای مسلح در مقایسه با مشکلات اقتصادی و معیشتی آنان ... .

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

پ.آثاری که به چیستی جرم صرفاً با رویکردهای جامعه شناختی تـدوین شـده‌انـد و زمینـه‌ای را برای شروع این پژوهش فراهم کرده‌اند. از این آثار می‌تـوان بـه: (جاویـدی: ۱۳۹۴)، (بـاقی: ۱۳۹۰)، (بهرامی: ۱۳۹۷)، (صادقی فسایی، ۱۳۹۰)، (جعفری بجنوردی:۱۳۹۲) اشاره داشت. در باب آثـار فـوق باید اشاره داشت خلائی که در آثار فوق وجود دارد و این مقاله به‌دنبال پر کـردن آن مـی‌باشـد عـدم بررسی بزه خاصی همچون ارتشاء و آن هم درتحلیل و بررسی وضیعت ساختار اداری ایران است کـه این مقاله با تداوم بحث فوق، به‌دنبال تبیین بزه ارتشاء بـا اندیشـه جامعـه شناسـی امیـل دورکهـایم می‌باشد که جنبه نوآوری آن را از مقالات فوق متمایز می‌کند.

۲. پدیدار شناسی قانون ارتشاء در ایران مدرن

با روی کار آمدن دولت مدرن[۱] در ایران و تحولات سریع سیاسـی، اجتمـاعی، اقتصـادی و فرهنگـی ایران از بعد انقلاب مشروطه و روند نوسازی جامعه ایران سبب گشته است تا در کنـار توسـعه مـادی این جامعه ارزش‌ها و هنجارها مسلط بر این جامعه نیز در بستر زمان مورد تغییر قرار گیرند. این رونـد که سبب تغییر سبک زندگی (همچون رشد سریع شهرنشـینی در دوره پهلـوی اول همـراه داشـته) و مناسبات اجتماعی را پدید آورده است منجر به وجود آمدن شـکاف‌هـا و گسسـت هـای در وضـعیت فکری و اجتماعی ایران شده است.

تغییر طبقات اجتماعی (شکل‌گیری طبقه متوسط جدید شهری)– شکل‌گیری یک طبقه دیوانی با بروکراسی متمرکزگرا– رشد تجمیع خرد فرهنگ‌ها در شهرها – تغییر نظام اقتصادی (که سبب بسترهای نامناسب برای توزیع مناسب ثروت گردید)_ تغییر نظام سیاسی استبدادی به نظام مشروطه سلطنتی و... همگی نشان از تغییر ساختار قدرت فرهنگی و اجتماعی ایران بوده که در خلال بحران‌های داخلی (همچون بحران نان) و بحران‌های خارجی (همچون اشغال ایران در جنگ جهانی اول و دوم) پدیدار گشته است.

با این تحولات اجتماعی و سیاسی که توزیع قدرت و ثروت به نظام بروکراسی مدرن وابسته گردید، سبب شد تا ناهنجاری اجتماعی (به‌خصوص ارتشاء) برای کسب قدرت و ثروت در فضای مدرن ایران به وجود آید. از همین روست که قانون‌گذار وقت در راستای شناسایی با این ناهنجاری اجتماعی در راستای حاکمیت قانون، حفظ نظم عمومی و عدالت، که از انقلاب مشروطه شروع شده

---

۱. در تعریف دولت مدرن تعاریف زیادی وجود دارد یکی از جامع‌ترین تعاریف می‌توان به تعریف کریستوفر پیرسـون اشاره داشت. وی معتقد است دولت مدرن، دولتی است که از یک سری ویژگیها، معیارها و الزامات برخوردار اسـت که نظریه دولت مدرن را از نظریه‌های دیگر دولت همچون دولت مطلقه متمایز می‌کند. وی ویژگی‌های چون: کنترل انحصاری خشونت، قلمرو جغرافیایی، حاکمیت مشروطیت، قدرت غیرشخصی، دیوان سالاری، مالیات عموماً، اقتدار و حقانیت شهروندی از ویژگی‌های این دولت می‌داند. (کریستوفر،۱۳۹۷: ۱۰۲)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

بود، قانون مدونی را برای بزه ارتشاء که آسیب‌های جدی را به اجتماع و ساختار اداری وارد کرده بود در ذیل قانون مجازات عمومی وضع کند.[۱]

با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام منتخب با ایدئولوژی حاکم بر این نظام و همچنین اوضاع نابسامان جنگ که وضعیتی را برای اشخاصی به وجود آورد تا با سوء استفاده از اوضاع برای رسیدن به امتیازاتی خاص از بروکراسی اداری، داشته دوباره قانونگذاران وقت را برآن داشت تا در دوره‌های مختلفی قوانین مختلفی و با رویکردهای تشدید کننده‌تر را برای وضع قانون برای مبارزه با این بزه کند[۲]. اگرچه که وضع قوانین توسط قانونگذاران در این دوره‌ها همگی برای مجازات و بازدارندگی از این بزه لازم بوده اما همان‌طور که گفته شد واقعیت‌های اجتماعی در دوران کنونی به‌گونه‌ای دیگربه نظر می‌رسد[۳] به‌طوری که نه تنها، حاکمیت قانون هنوز دارای بازدارندگی نیست بلکه ساختار اجتماعی به دلایل که باید مورد بررسی قرار گیرد پذیرای برای اطاعت از آن ندارند. به نحوی که در وضعیت کنونی این بزه در بعضی از نهادهای سیاسی و اجتماعی رسانه‌ای می‌شود و حتی به نهادهای آموزشی نیز سرایت پیدا کرده است که وضع بسیار ناراحت کننده‌ای را به وجود آورده است.

اما برای تحلیل دقیق‌تر از این وضع که چرا چنین وضعیتی به وجود آمده است تا قانون گذار اقدام به تدوین قانون مبارزه با ارتشاء کند به نظر محقق برای پاسخ آن باید به اندیشه امیل دورکهایم رجوع کرد؛ چرا که براساس اندیشه‌های او، جرم، پدیده طبیعی است و از فرهنگ، تمدن و فضاهای هر اجتماعی ناشی می‌شود. سیر تکاملی فرهنگ‌ها باعث می‌شود مفهوم بزه، نوع و کیفیت آن نیز دگرگون شود و تجدّدگرایی نیز در این میان نقش مهمی پیدا کند. به همین علت، این رویکرد در تعریف بزه به هنجارهای اجتماعی توجه می‌کند و عملی را جرم می‌داند که برخلاف هنجارهای جامعه باشد و احساسات و وجدان گروهی یا جمعی را متأثر کند.

حال اگر بخواهیم از این نظریه برای تحلیل شکل‌گیری پدیده جرم ارتشاء استفاده کنیم باید جرم و جرم‌شناسی را در این مکتب باید تعریف کنیم.

---

۱. به‌موجب ماده ۱۳۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

ارتشاء عبارت است از قبول کردن وجه یا مال از طرف مستخدمین قضایی یا غیر قضایی دولت برای انجام یا خودداری از انجام امری که از وظایف رسمی آنان بود و مجازات ارتشاء تا میزان صد تومان انفصال دائم از خدمات دولت و تأدیه غرامت معادل دو برابر رشوه و از صد تومان تا پانصد تومان محرومیت از حقوق اجتماعی و تأدیه غرامت معادل سه برابر رشوه و مازاد بر پانصد تومان علاوه بر مجازات-های فوق حبس تأدیبی از دو ماه الی یکسال تعیین شده بود.

۲. همچون:۱. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۶۷) ۲. فصل یازدهم کتاب تعزیرات با عنوان –ارتشاء و رباء و کلاه برداری در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

۳. نمونه آن را می‌توان در پدیده شهرام جزایری اشاره داشت.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

۳. چارچوب نظری (جرم از دیدگاه امیل دورکهایم)

امیل دورکهایم (۱۸۵۸ – ۱۹۱۷)[۱] پدیده‌های اجتماعی را حاصل کنش‌های بی‌روح و مکانیکی فردی و میان افراد می‌دانست و معتقد بود که جامعه قبل از فرد وجود دارد و اثر خود را در فرد انباشته و او را تربیت کرده و بر او مسلّط می‌گردد. روحیه هر فرد مستقیماً مربوط به تشکیلات و وظایف و دستورات و الگوهای اجتماعی بوده و در روابط خصوصی نیز عوامل مذکور تأثیر کلی دارند. به عبارتی بهتر وی برای پدیده‌های اجتماعی در پی علل اجتماعی است، نه روانی و زیستی و بر آن شده است که برای پدیده خودکشی، که شاید بارزترین پدیده روانی نزد دیگران محسوب شود، نیز علل اجتماعی بیابد. او در کتاب با همین عنوان خودکشی را، علت انتخاب افراد را کاهش یا نابودی اتحاد و همبستگی اجتماعی دانسته و معتقد است که هر قدر میزان همبستگی، اتحاد و همدردی در بین افراد یک جامعه کمتر شود، میزان خودکشی افراد در آن جامعه بیشتر خواهد شد. از همین روست که دورکهایم عامل و عنصر مشترک میان اعضا جامعه وجدان جمعی معرفی می‌کند و نظام فرهنگی (ارزش‌ها، باورها ایدئولوژی و ...) عامل شکل‌گیری آنها دانسته است و تعریف از جرم را بر محور این ایده قرار می‌دهد و می‌نویسد: «جرم از نظر ما، عملی است که حالت نیرومند و روشن وجدان جمعی را جریحه‌دار می‌کند». (راب وایت،۱۳۹۸: ۱۴۲)

در اندیشه او پدیده جرم را نمی‌توان با توجه به نظریات عوامل روانی و جسمانی افراد توجیه نمود، زیرا این عوامل نقش چندانی در بزه کاری افراد نداشته، بلکه عوامل اجتماعی از قبیل شرایط نامناسب خانواده، کمبود محبت، ناسازگاری والدین، طلاق، بزه کاری والدین، بیکاری، مهاجرت، مطبوعات، وسایل ارتباط جمعی، ضعف اعتقادات و باورهای دینی، وضع بد اقتصادی خانواده، عوامل سیاسی، جنگ و... است که نقش تعیین کننده‌ای در بزهکاری و اعمال مجرمانه افراد دارد (توسلی،۱۳۹۲: ۱۸۳) همچنین معتقد است جوامعی که در راستای تغییرات در ساختار و زیست خود هستند درگیر آنومی‌ها یا ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شوند؛ به‌طوری که اگر در این جوامع، نظم اجتماعی جدیدشان سبب شود تا سازمان اجتماعی سنتی‌شان مورد تغییر قرار بگیرد سبب بروز ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. به عبارت بهتر، وقتی تقسیم کار اجتماعی با نظام هنجاری آن هماهنگ نباشد ساختار جامعه دچار ناهنجاری یا آنومی می‌شود. (ترکمان، همکاران،۱۳۹۶: ۵۵)

در دیدگاه دورکهایم جامعه اجتماعی را به دو جامعه تقسیم می‌کند. جامعه‌ای که مبتنی بر همبستگی مکانیکی و خود به خود را می‌توان غالباً در گروه انسانی ابتدایی مشاهده کرد. گرایش‌ها در این گروه همانند نژادی، قومی، زبانی و مذهبی و ... می‌داند. همچنین وی جامعه دوم را جامعه

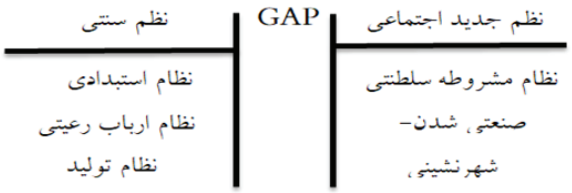
---

۱. جامعه‌شناس کل نگر فرانسوی متفکر نماد تجزیه‌ناپذیری جامعه بود. وی همانند ارسطو یک برداشت پوزیتیویستی از جامعه داشت که آن را یک پدیده خودجوش از طبیعت مدنی و الطبع انسان عنوان می‌نمود. وی خود را مبدع نظریه فیزیک اجتماعی معرفی می‌کرد. (گیدنز،۱۳۹۲: ۳۲۶)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

ارگانیک یا اندامی معرفی می‌کند که معمولاً در مرحله پیشرفته‌تری از روابط اجتماعی حاصل می‌شود. وی همبستگی در این اجتماع را جنبه تشکیلات و تعقلی دارد. (قاضی،۱۳۹۷: ۵۶)



دورکهایم همچنین ماهیت جرم را در درون جامعه‌ای برخوردار از دو نوع تقسیم کار سالم و ناسالم به شرح زیر به تصویر می‌کشید: نخست آنکه تقسیم کار بهنجار و سالم در جامعه شکل خواهد گرفت که مناسبات شغلی از ابعاد همساز با توانایی‌های فردی برخوردار است؛ همچنین این که در چنین جامعه می‌توان دو گونه بالقوه است. او مدعی است که اگر در جامعه تقسیم کار، ناسالم و بیمارگونه باشد نوعی تضاد میان دو دسته امور فردی و امور اجتماعی ایجاد می‌شود. نکته بدین معنا که در جامعه مبتلا به این وضعیت، نظم دادن به رفتار افراد کار دشوار است. از همین روست که مدعی است ممکن است وضعیت کلی جامعه و نه فرد به گونه‌ای باشد که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را در نوعی حالت بی‌ثبات قرار داده یا حتی آن را تا حدودی تخریب کرده باشد. در نگاه او، این درد می‌تواند افراد را در موقعیتی قرار دهد که باورها و ارزش‌های مشترک خویش را از بین رفته بیابند و شاهد تضعیف شدن دستورالعمل اخلاقی و قید و بندهای حاکم بر رفتارها باشند. دورکهایم ویژگی جامعه‌ی سالم را وجود نوعی وجدان جمعی می‌داند که رفتار افراد را به شکل دور از تنش و اجبار نظم داده و بر آن نظارت می‌کند. جامعه ناسالم هم در نظر او جامعه‌ای است که ارزش‌های آن کاملاً تثبیت شده و ریشه‌دار نیست و یا اینکه کارکرد آن سمت و سوی متضاد با هدف ایجاد یکپارچگی و نظم در جامعه دارد. (راب وایت،۱۳۹۸: ۱۴۸)

وی تقسیم کار اجتماعی را به دنبال افزایش و تراکم جمعیت و افزایش مبادلات فرهنگی اقتصادی و غیره بیان داشت و تقسیم کار اجتماعی را مطلع گذار از جامعه مکانیکی به ارگانیک می‌داند؛ زیرا سلسله مراتب اجتماعی در جوامع مکانیکی به صورت قانونمند و نوشته شده نیست.

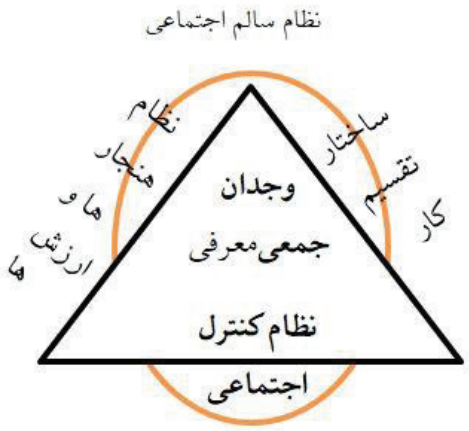
در تقسیم کار، دورکهایم هدف اصلی‌اش را تعیین کارکردهای تقسیم کار می‌داند، یعنی اینکه تقسیم کار چه نیاز اجتماعی را برآورده می‌سازد. کتاب صورت‌های ابتدایی زندگی دینی، اختصاص دارد به نشان دادن کارکردهای گوناگونی که کیش‌ها، آیین‌ها و باورهای مذهبی در جامعه انجام می‌دهند. دورکهایم برای از بین بردن جرم و یافتن منشای کج‌رفتاری اشخاص در اجتماع این

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

نظریه کنترل اجتماعی طرح نمود.[۱] وی معتقد است برای تشریح این‌که چگونه مردم از عمل در راه‌هایی‌که به ضرر دیگران است، بازداشته می‌شوند، همگی بر عواملی اجتماعی تکیه می‌کنند. در توصیف کیفری این جامعه‌شناس کارکردگرا، منشأ جرم‌انگاری رفتارها، اراده‌ی وجدان جمعی است که با الصاق برچسب مجرمانه به رفتارهایی که ارزش‌ها و باورهای مورد احترام او و به تعبیری اخلاق متعارف را مخدوش می‌کنند، از این مقدسات اجتماعی پاسداری می‌نماید. رویکرد پیش‌گفته، با نفی مفهوم هدفمندی مجازات، آن را به مثابه نیرویی می‌داند که وجدان جمعی در جهت دفاع از انسجام خویش در برابر بزهکاری، از آن بهره می‌گیرد.

با توجه به نظرات امیل دورکهایم اگر بخواهیم چارچوب نظری برای این تحقیق ارائه دهیم تا بتوانیم پدیده ارتشاء را بر اساس آن مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم می‌توان الگوی زیر را پیشنهاد دهیم:



۱. نظریه پردازان پیش از وی، به این عقیده بودند که علت و چرایی ارتکاب جرم را باید در مجرم واکاوی کرد. زیرا آنان به این باور بودند که انسان متعارف و سالم، در اجتماع، مرتکب جرم نخواهد شد و مجرمینی‌که جرم را مرتکب می‌شوند، حتماً اختلالاتی در جسم و روح آنان و همین‌طور رویدادهایی در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، رخ داده است تا اینان کج‌رفتار شدهاند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

٤. تحلیل یافته‌های تحقیق: تبیین بزه ارتشاء در ایران با اندیشه دورکهایم

اگر بخواهیم درباره میزان این جرم در کشور بگوییم آمار دقیقی از آن بزه وجود ندارد، اگرچه که در آخرین گزارش بانک جهانی و سازمان ملل، ایران جزو ۲۴ کشور اول فسادپذیر اداری در جهان است (rahavardeman.blogfa.com). اگر بخواهیم با نگاه دورکهایم به دلایل و تحلیل این بزه در کشور بپردازیم باید به جستجوی نمونه‌های مؤثر بر این عوامل باشیم.

٤-١. برهم خوردن نظام ارزش‌ها

مهم‌ترین عامل بروز فساد در دیدگاه دورکهایم را باید تغییر در ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی جستجو کنیم، به گونه‌ای که اگر ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش‌های مادی‌گرایانه، فردگرایانه و مصرف‌گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته و پیامد آن، شکل‌گیری فساد در همه سطوح و لایه‌های اجتماع خواهد بود. تغییر در نحوه تفکر و زندگی افراد می‌شود، بدین طریق ارزش‌های اجتماعی نیز تغییر می‌نماید؛ چراکه اساس ارزش‌ها در اندیشه و باورهای انسان است. از همین روست که باید ببینیم که این بزه آیا در اجتماع امروز ما دارای اعتبار است یا اعتبار خود را از دست داده؟ و اگر دارای اعتبار است نشان از تغییر هنجار اجتماعی دارد. (قادری،۱۳۸۸: ۱۴۲) درباره تغییر ارزش‌ها و باورها در ایران از بعد انقلاب (مخصوصاً بعد از جنگ تحمیلی) می‌توان دلایل گوناگونی را معرفی کرد همچون تغییر در سبک زندگی، که سبب به وجود آمدن بسیاری از بزه‌های اجتماعی برای رسیدن به یک الگوی زندگی تجمل‌گرایی و مصرف گرایی شده است. به طور مثال اگر کارمندی در جامعه امروز به دنبال یک چنین زندگی باشد باید از راه‌های غیر قانونی برای آن اقدام بورزد که تحقق بزه ارتشاء نیز غیر واقع نخواهد بود.

٤-٢. برهم خوردن تقسیم کار اجتماعی

اگر چه که رویکرد این مقاله رویکردی تک عامل نیست، اما باید یک عامل مؤثر اقتصادی برای برهم خوردن تقسیم کار اجتماعی را به حساب آورد. عواملی چون: رکود اقتصادی، کاهش درآمدها، بی‌عدالتی، مادی‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورّم افسار گسیخته، عدم تناسب دخل و خرج ناشی از عدم عدالت اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم و توزیع نامناسب درآمدها در جامعه، از عوامل مهم اقتصادی است که زمینه‌های بروز سوءاستفاده‌های مالی و تخلفات اداری را فراهم می‌سازد. دکتر سیف‌الله سیف‌اللهی، اقتصاددان دلیل اصلی این پدیده در ایران را عدم توزیع ثروت در جامعه می‌دانند و دلیل آن را به نحوی ناعادلانه معرفی می‌کنند که سبب این ناهنجاری‌ها طبیعی می‌شود. ازهمین رو اگر به مشکلات و تنگناهای اقتصادی در ایران در ۱۵ سال گذشته نگاهی بیاندازیم این دوران را

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

باید بسیار متفاوت‌تر از گذشته دانست که تغییرات اساسی را در مناسبات فرهنگی، اجتماعی و... به وجود آورده است. از نگاه اقتصادی که یک سبب مؤثر بر گزارش است نشان می‌دهد که در کنار تداوم تورم دو رقمی پنجاه ساله اخیر، میزان درآمد ۶۰٪ درآمد نسب به سال ۱۳۹۰ کاهش یافته، شمار فقرا به ۳۵٪ جمعیت کل کشور افزایش یافته و شمار بیکاری با توجه به گزارش سازمان آمار به حدود ۵/۴ میلیون نفر افزایش یافته است. این فقر اقتصادی و نابسامانی‌های درآمدی کارکنان سازمان‌ها نهایتاً منجر به وضعیتی خواهد شد که کارمندان دولت اقداماتی را انجام دهند تا بتوانند در امر معاش خود بر بیایند.

۳-٤. کاهش همبستگی، اتحاد و همدردی

یکی از دلایل بزرگ پیشرفت مادی و معنوی هر ملت انسجام و پیوستگی (همدلی و هم‌زبانی) آن است و هماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده کل نظام یک جامعه را «هم‌بستگی» می‌گویند (بشیریه، ۱۳۹۳: ۷۸۹) در مقابل همبستگی باید عدم اعتماد مقابل را قرار داد که امروز با توجه به شرایط تحولات اجتماعی و سیاسی برآمده کاهش فراوانی داشته و سبب به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی و قانونی شده است. به عبارتی افزایش اعتماد متقابل بین افراد جامعه، تعامل گروهی مثبت، همبستگی اجتماعی بالا و سطح خوب مشارکت اجتماعی، میزان جرم مخصوصاً جرم ارتشاء در جامعه را کاهش می‌دهد؛ چرا که رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده تصور آن را دارند که در اجتماع با هم برابر و برادرند و به‌نحوی دارای شخصیت غیرمستقل از هم نیستند. امروز در اجتماع ما یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی درهمبستگی اجتماعی کاهشی فراوانی داشته است که این کاهش سبب ظهور اشکال گوناگون از ناهنجاری‌ها و بیماری‌های رفتاری و حتی در سطحی بالاتر، شکل‌گیری جرائم شهری و اختلال در نظام روابط جمعی و کارکردهای اداری در ایران شده است.

٤-٤. کاهش وجدان اجتماعی

وجدان جمعی در برابر وجدان فردی، بیانگر حالت‌های مشترک جامعه بوده و در اجتماع پراکنده است که با تغییر نسل‌ها عوض نمی‌شود، بلکه عامل پیوند نسل‌های آینده و گذشته است. افرادی که در زمان مشخصی در جامعه‌ای زندگی می‌کنند گاهی به لحاظ قواعد اخلاقی، نسبت به امری حس مشترکی پیدا می‌کنند که این حس مشترک ناشی از وجدان اجتماعی است. (بیات، ۱۳۹۲: www.irna.ir).

از همین رو باید بزه ارتشاء را در جامعه‌ای جستجو کنیم که وجدان اجتماعی در آن تضعیف شده است و برای تقویت آن در جهت مثبت، که سبب موجبات رشد و توسعه جامعه را فراهم می‌کند، شویم. به عبارتی اگر در جامعه‌ای وجدان اجتماعی نسبت به مسائل اجتماعی قوی باشد، میزان همبستگی مردم در درجه بالایی قرار می‌گیرد که به تنهایی دارای پتانسیلی است که در جهت مثبت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

و سازندگی می‌توان از آن بهره‌برداری کرد.
وجدان اجتماعی می‌تواند ریشه در قوانین، آیین، رسم و رسوم و مذهب هر جامعه داشته باشد که به توافق اخلاقی در بین مردم آن جامعه می‌انجامد و می‌تواند به تقویت، تقبیح یا رد مسئله‌ای ختم گردد (بیات،۱۳۹۲: www.irna.ir). آنچه مهم است آن است که اگر توافق و اشتراک نظر مجموعه‌ای از مردم به یک پدیده اجتماعی همچون ارتشاء ناروا و قبیح باشد از وجدان جمعی همچون یک نیروی محرک می‌توان در مقابل آن برای ایجاد نظم و قانونمندی موثر است عمل کنند. امروز در اجتماع ما بدلیل عدم ثبات اجتماعی و پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ غرب، جامعه به سمت نوعی فردگرایی افراطی حرکت کرده و سبب به وجود آمدن عدم پذیرش مسئولیت‌ها و همبستگی اجتماعی شده است. این وضعیت فضای را به وجود آورده تا برای میل شخصی افراد برای کسب منفعت بیشتر اقدام کنند و برای آن رقابت نمایند. از همین رو نهادهای اداری و بورکراسی نیز بر این وضع تأثیر داشته، نوعی بی‌هنجاری در ساختار را تقویت می‌کنند.

٥-٤. نبودن نظام کنترل و پیشگیری اجتماعی

فقدان مقرّرات و قوانین بازدارنده و نظام‌های کنترلی مؤثر از زمره دلایل اصلی بروز فساد ارتشاء در ایران بوده است. از این رو می‌توان عوامل را در دو دسته تقسیم‌بندی نمود. ۱. عوامل سیاسی (عدم استقلال کامل قوّه قضائیه، نفوذ قوّه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان) و همچنین ۲. عوامل اداری همچون (تشکیلات و ساختار اداری غیرکارآمد، حجیم و نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین، مقرّرات و تعدد بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان نظام شایسته‌سالاری و...) تقسیم‌بندی نمود.

٥. جمع‌بندی

اندیشه دورکهایم که بر یک تحلیل قوی اجتماعی استوار است، روش‌شناسی کارکردگرایی، در تحلیل، چرایی و چیستی بزه ارتشاء در ایران را می‌توان مؤثر دانست. چرا که همانطور که گفته شد به نظر او آنومی مولود جامعه دستخوش تحول و نوسازی است که در آن پدیدها در دوران صنعتی موجب تضعیف ریشه‌های سنّت و ارزش‌های فرهنگی به خاطر مدرنیزاسیون شده‌اند. کاهش شاخص‌های بالا را می‌توان سبب افزایش بزه ارتشاء در اجتماع دانست؛ به‌طوری که می‌توان آن را در ساختار اداری کشور مورد مشاهده قرار دهیم. با اندیشه دورکهایم این بزه را محصول جامعه‌ای است که یکی از قطعات آن دچار آسیب شده است. از منظردورکهایم، جامعه همانند بدن انسان دارای اعضای مختلفی است و کار موزون و هماهنگ اعضا با یکدیگر، به انسان موجودیت مادی و معنوی و امکان ایفای نقش

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

در جامعه می‌دهد؛ حال اگر یکی از اعضا یا اندام‌های بدن انسان دچار بیماری یا آسیب شود، سایر اعضا از آن متأثر می‌شوند و موجودیت اجتماعی انسان، در معرض مشکلات قرار می‌گیرد. همین موضوع درباره‌ی جامعه اندام‌واره نیز صادق است. امروزه در جامعه ما نهادها کارکردهای خود را از دست داده‌اند و آن سبب شده تا هماهنگی با سایر اعضا در اجرای وظایف حرکت و پویایی و پیشبرد جامعه از دست رود. جرم حاصل اختلال در یک یا چند اندام و نهاد اجتماعی است که به مشکلات کارکردی آن یا آنها، به مظاهر آسیب اجتماعی منجر می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

فهرست منابع

آدمیت، فریدون (۱۳۹۲) .امیرکبیر و ایران .تهران :انتشارات خوارزمی.

باصری، علی (۱۳۹۵). چرا رشوه می‌دهند؛ چرا رشوه می‌گیرند؟ www.ensafnews.com/36671

باقری، فرشاد (۱۳۹۶). «بررسی راهکارهای پیشگیری از جرم ارتشا در کاهش گرایش کارکنان، (مطالعه موردی: کارکنان ناجا)»، فصلنامه نظارت و بازرسی – سال یازدهم – شماره ۳۹{۱۳۹-۱۷۲}.

باقی، عبدالرضا (۱۳۹۰). «تأثیر رشوه در واپسگرایی»، جامعه نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم شماره ۵۷-۵۸.

بشیریه، حسین (۱۳۹۳). عقل در سیاست، چاپ هفتم، تهران: نشر نگاه معاصر.

بهرامی، سهراب (۱۳۹۷). «بسترهای وقوع جرم رشوه و راهکارهای مقابله باآن»، فصلنامه کارگاه، سال یازدهم، بهار ۹۷، شماره ۴۲{۵۳-۶۳}.

بیات، فاطمه (۱۳۹۲). «تقویت وجدان اجتماعی در جهت مثبت موجبات رشد و توسعه جامعه را فراهم می‌کند» www.irna.ir

پیرسون، کریستوفر (۱۳۹۷). چیستی دولت مدرن، مترجم: مهدی هداوند، تهران: انتشارات قلمرورفاه.

ترکمان، فرح, گرگوندی الهه, افتخاری علیرضا (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در ارتکاب به جرائم اجتماعی با تاکید بر نظریه فشار آگنیو (مورد مطالعه: جوانان و نوجوانان مذکر ۱۷-۳۰ سال در منطقه ۱۶ تهران.

توسلی، غلام عباس (۱۳۹۲). نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: نشر سمت.

جاویدی، مجتبی (۱۳۹۵). «ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم، با رویکردی روش شناسانه»، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۲۹{۱۱۵ - ۱۳}.

جعفری بجنوردی، عبدالرضا جوان (۱۳۹۲). «دورکهایم و کارکردگرایی در شناخت کیفر»، فصل نامه‌ی تعالی حقوق/ دوره‌ی جدید/ شماره ۴{۱۰۳-۱۲۰}.

حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۹). «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»، دوره چهارم، شماره ۴،

حسینی کشاورز، معصومه (۱۳۹۶). «نظریه‌های فشار اجتماعی مبتنی بر عدم برابری فرصتها دورکیم و مرتون»، پنجمین همایش ملی فقه و حقوق جزا.

حیدری، غلامحسین (۱۳۹۰). «همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام»، پژوهش اجتماعی دوره ۴, شماره ۱۳; {۹۵ - ۱۱۷}.

دانش، تاج زمان (۱۳۶۴). مجرم کیست جرم شناسی چیست؟ تهران: موسسه کیهان.

ربیعی، علی، مصاحبه با علی ربیعی، http://asibha.mcls.gov.ir/fa/news/31633

رحمانی، محمود،محمدخانی، سعید، دهقان نژاد ،مرتضی (۱۳۹۲).«درآمدی بر رشوه، پیشکش و انواع آن در عهد قاجار (با تکیه بر عهد ناصری)» ،تاریخ اسلام و ایران دوره جدید بهار شماره ۱۷ (پیاپی ۱۰۷) .

رضاپور، محمدجواد (۱۳۹۹). «ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دورهٔ ۵۰، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان {۸۹-۱۱۲}.

ستوده، هدایت اله (۱۳۸۲). آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.

شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). جامعه شناسی انحرافات ومسائل جامعوی، مشهد: نشرمرندیز.

صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۰). «جرم: بر ساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۳{۲۲۰-۲۵۰}.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]

قادری، مهدی (۱۳۸۸). «فساد اداری در ایران؛ تحلیلی جامعه‌شناختی»، معرفت، شماره ۱۳۸.
قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۹۷). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.
گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲) نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
نجفی توانا، علی (۱۳۷۷). جرم شناسی، تهران: انتشارات خیام.
نوری، هادی (۱۳۹۸). سیر تحول جرم اختلاس درنظام کیفری ایران، فصلنامه بین المللی قانون یار.
http://imj.ir/، بی نام. (۱۳۸۸)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.58]